

تأثیر ادراک از سبک والدگری بر میزان سرسختی دانش آموزان پسر

The effect of perception of parenting style on male students' hardiness

علی پژوهنده^۱، فاطمه معین الغربائی^۲، مهدی فدائی^۳، خدیجه دروگر^۴

Abstract

This research has dealt with examination the effect of perception of parenting style on male students' hardiness. For this purpose, 610 students (13-15 years old) completed Parenting Style Questionnaire (PSQ) and KOBASA's Hardiness Questionnaire. The hypothesized of this study was tested by using Analysis of variance. Results have shown that there was a significant difference between the separated styles of parenting in hardiness. Furthermore, hardiness in adolescents (that they perceived their parents authoritative) was more than other styles(except of permissive group). Results also showed that hardiness in group that perceived their parents neglectful was at least. In this study, difference of parenting styles in subscales of hardiness (commitment, control and challenging) was examined by ANOVA and was revealed that there was significant difference between groups in commitment and challenging subscales. Results of this research indicate that parents have a great effect on children diligence, responsibility and tenacity in pursuing goals.

Key words: perceived parenting style, hardiness, high school student

چکیده

پژوهش حاضر به بررسی تأثیر ادراک از سبک والدگری بر میزان سرسختی دانش آموزان پسر پرداخته است. برای این منظور، تعداد ۶۱۰ دانش آموز ۱۳ تا ۱۵ ساله پرسشنامه‌های ادراک از شیوه‌های فرزند پروری (PSQ) و سرسختی کوباسا را تکمیل نمودند. با مقایسه گروه‌های مختلف ادراک از شیوه‌های فرزندپروری در میزان سرسختی با استفاده از تحلیل واریانس یکراهه، فرضیات پژوهش مورد آزمون قرار گرفتند و مشخص شد که بین گروه‌های مختلف ادراک از شیوه‌های فرزندپروری در میزان سرسختی، تفاوت معناداری وجود دارد. همچنین، میزان سرسختی در نوجوانانی که والدین خود را مقتدر ادراک نموده‌اند در مقایسه با سایر گروه‌ها (به جز گروه سهل‌گیر) بیشتر بود. نتایج همچنین بیانگر این بود که میزان سرسختی در گروهی که والدین خود را سهل‌انگار ادراک کرده بودند، کمترین مقدار را در مقایسه با سایر گروه‌ها دارد. در این پژوهش، همچنین تفاوت گروه‌های مختلف ادراک از شیوه‌های فرزندپروری در مؤلفه‌های سرسختی (تعهد، مهار و چالش) توسط تحلیل واریانس یکراهه مورد بررسی قرار گرفت و مشخص شد که در دو خرده‌مقیاس تعهد و چالش بین گروه‌ها تفاوت معناداری مشاهده می‌شود. نتایج این پژوهش، بیانگر تأثیر بسیار زیاد والدین در پشتکار، مسئولیت‌پذیری و سرسختی در پیگیری اهداف فرزندان است.

واژه‌های کلیدی: سبک والدگری ادراک شده، سرسختی، دانش آموز دبیرستانی

۱- دکتری تخصصی روان شناسی تربیتی

۲- نویسنده مسئول: عضو هیات علمی جهاد دانشگاهی واحد البرز famoin@gmail.com و ۸۸۸۳۱۹۷۶

۳- کارشناس ارشد روان شناسی بالینی

۴- کارشناس ارشد روان شناسی عمومی

مقدمه

خانواده، نظام پیچیده‌ای است که مستلزم کارکرد به‌هم پیوسته‌ای در میان اعضا است (هترینگتون و پارک، ۱۳۷۲). تمام جانوران رده‌های بالای تکامل دست کم مدت کوتاهی از زندگی خود را به دیگران وابسته هستند. ما زندگی خود را در کنار والدین آغاز می‌کنیم. آرنو (۱۹۹۵)، به نقل از دروگر، (۱۳۸۴) انسان را موجودی می‌داند که در خانواده، با فرهنگ و متمدن می‌شود و هنجارها و ارزش‌های محیط خود را فرا می‌گیرد.

در میان الگوهای اجتماعی متعددی که به نوجوانان ارائه شده است اولین الگو والدین هستند. تأثیرات والدین بر تحول الگوهای اجتماعی نوجوانان از اهمیت بالایی برخوردار است که پژوهش‌های مختلف این نقش محوری را آشکار کرده‌اند (برجلی، ۱۳۷۸؛ حقیقی، شکرکن و موسوی شوشتری، ۱۳۸۱؛ بالی، ۱۹۶۹). این تأثیرات چنان بارز است که با وجود اختلافات موجود بین صاحب‌نظران روان‌شناسی در زمینه‌های مختلف، در مورد اهمیت خانواده و تأثیر آن بر رشد، نقطه نظر مشترک وجود دارد. اکثر روان‌شناسان صرف نظر از مکتبی که به آن معتقدند کنش‌های متقابل میان والدین و فرزندان‌شان را اساس رشد عاطفی تلقی می‌کنند (بالی، ۱۹۶۹؛ فروید، ۱۹۶۴ به نقل از برومند نسب، شکرکن و نجاریان، ۱۳۷۶).

بامریند (۱۹۷۱) سه شیوه فرزندپروری را معرفی می‌کند که عبارتند از شیوه مقتدر^۱، سهل‌گیر^۲، و مستبد^۳. در سال‌های اخیر، برخی از محققین کوشیده‌اند روابط مفهوم‌داری بین ابعاد رفتار والدین و ارتباط آن‌ها با یکدیگر به دست آورند. در این تحقیقات، دو بعد مهم مورد توجه قرار گرفته‌اند که عبارتند از: ابعاد مهار-آزادی و پذیرش - طرد (عظیمی، ۱۳۷۸). از ترکیب این ابعاد، علاوه بر سه شیوه فرزند پروری یاد شده، شیوه فرزند پروری سهل‌انگار^۴ نیز به دست می‌آید (برجلی، ۱۳۷۸).

در شیوه مقتدر، والدین نسبت به سایر والدین واقعیت‌ها و بینش‌های شناختی را بهتر به کودکان خود منتقل می‌سازند و تمایل بیشتری برای پذیرش دلایل کودک در رد یک رهنمود از خود نشان می‌دهند. والدین مقتدر به آغاز تعامل با کودک به گونه‌ای پاسخ می‌گویند که معمولاً برای کودک خشنود کننده است. این والدین به تلاش‌های کودکان در جهت جلب حمایت و

توجه پاسخ می‌دهند و از تقویت‌های مثبت بیشتری استفاده می‌کنند. بامریند (۱۹۷۱) اظهار می‌دارد که والدین دارای شیوه مقتدرانه با بیان آشکار آنچه از کودک انتظار می‌رود به ایجاد توازن بین مهر ورزی شدید و مهار شدید و خواسته‌های فزاینده می‌پردازند. کودکان والدین مقتدر در مقیاس‌هایی همچون فعال بودن، اعتماد به خود^۵ و استقلال رأی و خودرایی^۶ رتبه‌های بالایی را به خود اختصاص می‌دهند. این کودکان واقع‌گرا، با کفایت و خشنود توصیف شده‌اند (برجلی، ۱۳۷۸). در مقابل، والدین مستبد بسیار پر توقع بوده و پذیرای نیازها و امیال کودکان نیستند، پیام‌های کلامی والدین یک جانبه و فاقد محتوای عاطفی است. والدین مستبد هنگام اعمال رهنمودها دلیل ارائه نمی‌کنند و به ندرت به تشویق پاسخ‌های کلامی می‌پردازند (عظیمی، ۱۳۷۸). بر اساس مشاهدات بامریند (۱۹۷۱) کودکان والدین مستبد، نسبت به کودکان والدین مقتدر، در برقراری رابطه با همسالان و احراز موضع فعال و نیز استقلال رأی در رتبه‌های پایین‌تر قرار می‌گیرند. این افراد به صورت منفعل-پرخاشگر^۷، منزوی، غمزده و آسیب پذیر نسبت به فشار توصیف شده‌اند.

در شیوه سهل‌گیر، والدین فرزندان خود را مهار نمی‌کنند، از آنان توقعی ندارند و گرم هستند. در امور خانه نظم و ترتیبی نداشته و در تنبیه یا پاداش دادن به فرزندان خود چندان جدی نیستند. از فرزندان خود انتظار رفتار عاقلانه نداشته و به آنان آموزش استقلال و خوداتکایی نمی‌دهند. این والدین به طور کلی قواعد کمی دارند و از فرزندان خود چندان توقعی ندارند. آنان چندان توجهی به آموزش آداب به فرزند خود ندارند. فرزندانشان را از آسیب رساندن به اسباب و وسایل خانه و سایر اشیاء منع نمی‌کنند، اهمیتی به پاکیزگی یا اطاعت نمی‌دهند. از نظر آنان پرخاشگری طبیعی است و اجازه می‌دهند که فرزندانشان مدت زمانی طولانی بدون نظاره یا دخالت بزرگسالان بازی کنند (ماسن و همکاران، ۱۳۷۷). بامریند (۱۹۹۱) دریافت که فرزندان والدین سهل‌گیر بسیار خام هستند، آنها در مهار تکانه‌های خود مشکل دارند، علاوه بر این افرادی پر توقع هستند از حداقل خود اتکایی و استقلال، خودنظم‌دهی^۸ و مسئولیت پذیری و فعالیت‌های اکتشافی برخوردارند. چنان که یوسفی (۱۳۸۳) نیز معتقد است،

⁵ Self confidence

⁶ wilfulness

⁷ passive aggressive

⁸ Self regulation

¹ authoritative

² permissive

³ authoritarian

⁴ pegglectful

نامتناسب از کنترل و یک ارتباط هیجانی منفی بین والدین و کودک به طور وسیعی با بزهکاری کلی یا مشکلات رفتاری آنان در آینده مرتبط بوده است (بلاسکی، بوردین، هنگلر و مان، ۱۹۸۹؛ کرنکوویچ و جوردانو، ۱۹۸۷؛ دارلینگ و استنبرگ، ۱۹۹۳؛ کینان، لوبر، ژانگ، استوتامر لوبر و وان کامن، ۱۹۹۵). پژوهش‌ها نشان داده‌اند که سبک فرزندپروری مقتدرانه واجد پیامدهای رفتاری سازگارانه‌تر در کودکان و نوجوانان می‌شود (آنولا، استاتین و نورمی، ۲۰۰۰)

در این بین یکی از ویژگی‌های شخصیتی که مورد توجه قرار می‌گیرد، سرسختی^۵ است که اولین بار کوباسا (۱۹۷۹) این صفت کلی و جهان شمول^۶ را معرفی نمود که شامل سه مؤلفه زیر است: ۱- مهار (احساس این که همه رویدادها، پیامد اعمال خود شخص هستند) ۲- تعهد (اقدامات فعالانه جهت معنا بخشیدن به زندگی خویش) و ۳- چالش (یعنی، به جای آن که فرد، تغییرات زندگی را تجاری پرتنش ادراک کند آنها را هیجان آور و محرک بداند). این سه مؤلفه، روی هم، صفت جهانی سرسختی را تشکیل می‌دهند. فانک و هاستون (۱۹۸۷)، کوباسا (۱۹۷۹) و اسکلمن، بولینگ و آلاکون (۲۰۱۰) بیان می‌دارند که افراد سرسخت، مطابق پژوهش‌ها، کمترین اثرات زیان آور ناشی از استرس را تجربه می‌کنند.

در همین راستا مهرابی‌زاده هنرمند و وردی (۱۳۸۲) ضمن برشمردن برخی ویژگی‌های والدین سهل‌گیر، بیان می‌کنند که فرزندان این والدین از رو به رو شدن با مشکلات پرهیز می‌کنند و از احساس مسئولیت بسیار اندکی در انجام وظایف روزانه برخوردارند که به ترتیب مؤلفه‌های چالش و تعهد را شامل می‌شوند. همچنین این محققین در اشاره به ویژگی‌های والدین مقتدر (آزاد منش)، مهار اعمال شده از سوی والدین را عامل ایجاد سازگاری مسؤله می‌دانند و نوجوانان آنها را افرادی می‌دانند که متکی به خود هستند (مهار) و موقعیت‌های اقتدارآمیز و نافذ را به خوبی می‌پذیرند و در آن موقعیت‌ها به خوبی انجام وظیفه می‌کنند. بدین ترتیب می‌توان انتظار داشت که نوجوانان والدین سهل‌انگار که کمترین میزان مهار و پذیرش را ادراک می‌نمایند، کمترین میزان اتکاء به خود، چالش و در نتیجه سرسختی را نیز گزارش نمایند. همچنین نوجوانانی که والدین خود را مقتدر ادراک می‌کنند علاوه بر سرسختی بیشتر و انگیزه بالا جهت پیشرفت، احساس خود-کارآمدی تحصیلی

شیوه فرزندپروری سهل‌گیر در کودکی باعث تکانشی بودن^۱، نافرمانی، سرکشی و متوقع و وابسته بار آمدن کودک می‌شود و در نوجوانی باعث خود میان بینی نوجوانان می‌شود و علاوه بر این نوجوانان والدین سهل‌گیر عملکرد ضعیفی را در مدرسه از خود نشان می‌دهند و سرانجام در شیوه سهل‌انگار، والدین در ابعاد مهار و پذیرش، در پایین‌ترین سطح هستند. خانواده والدین سهل‌انگار نسبتاً آشفته است. فعالیت خانواده نامنظم و اعمال مقررات اهمال‌کارانه است. والدین سهل‌انگار به عنوان تنبیه کودک را از محبت خود محروم می‌کنند و به تمسخر او می‌پردازند. کودکان والدین سهل‌انگار از اتکاء به خود، خودداری^۲ خودداری^۳ یا استقلال رأی اندکی برخوردارند. این کودکان به صورت افرادی نسبتاً ناپخته توصیف شده‌اند که هنگام مواجهه با ناملایمات تمایل به واپس روی دارند. این کودکان سنجیده عمل نمی‌کنند و به فعالیت بی‌هدف می‌پردازند (به‌یر و استافورد^۴، ۱۳۷۷). به عقیده کلونینگر (۱۹۹۶) والدین سهل‌انگار کمتر جهت می‌دهند و کمتر تقاضا دارند و به طور کلی بی‌توجه هستند.

پژوهش‌های وسیعی که در زمینه چگونگی برخورد والدین با کودکان نشان و روش‌های تربیتی انجام شده است نشان می‌دهد که روش‌های تربیتی والدین اثرات طولانی بر رفتار، عملکرد، انتظارات و در نهایت بر شخصیت افراد در آینده دارد. برای مثال، تحقیقات کاگان و ماس (۱۹۹۲) نشان می‌دهد که اگر والدین بسیار سخت‌گیر^۴ و مستبد باشند مانع پیشرفت و توسعه کنجکاوی و خلاقیت کودک می‌شوند. والدینی که اجازه نمی‌دهند کودک ابراز وجود یا اظهار نظر کند مانع بروز استعدادهای بالقوه کودک می‌شوند و در نتیجه این کودکان در آینده افرادی روان‌آزرده و پرخاشگر خواهند شد. نیکی (۱۹۷۱) نیز اظهار می‌دارد که جو حاکم بر خانواده و رفتار والدین می‌تواند در چگونگی احساس فرد از خود و توانایی‌هایش مؤثر باشد (برومند نسب و دیگران، ۱۳۷۶). بامریند در بررسی‌هایش (۱۹۹۱) دریافت که والدین مقتدری که پذیرنده و پاسخ‌دهنده هستند و کنترل متوسطی را اعمال می‌کنند، در تحول شایستگی اجتماعی فرزندان خود در مقایسه با سبک‌های فرزندپروری سهل‌انگارانه و مستبدانه به میزان بیشتری تسهیل‌کننده هستند. درمقابل، نظارت و کنترل ضعیف، استفاده

¹ Impulsivity

² abstinence

³ Bayer & Stafford

⁴ Stern

⁵ hardiness

⁶ global trait

بیشتری نیز می‌کنند (آبش، ۲۰۱۲).

لذا با توجه به ویژگی‌های مختلفی که هر یک از شیوه‌های فرزندپروری دارند که توسط فرزندان ادراک شده، منجر به شکل‌گیری خصیصه‌های شناختی (الیسو هارپر^۱، ۱۳۸۱)، عاطفی (بالبی، ۱۹۶۹)، روانی - اجتماعی (شولتز و شولتز^۲، ۱۳۷۸) و فردی (آدلر^۳، ۱۳۷۰) در آن‌ها می‌شود؛ می‌توان انتظار داشت که نوع ادراک نوجوانان از شیوه‌های فرزندپروری والدین بر میزان سرسختی آن‌ها نیز تأثیر گذار باشد. لذا پژوهش حاضر در نظر دارد فرضیه‌های زیر را مورد آزمون قرار دهد:

- ۱- بین گروه‌های مختلف ادراک از شیوه‌های فرزندپروری از لحاظ میزان سرسختی تفاوت وجود دارد.
- ۲- نوجوانانی که والدین خود را مقتدر ادراک می‌نمایند سرسختی بیشتری در مقایسه با سایر نوجوانان دارند.
- ۳- نوجوانانی که والدین خود را سهل‌انگار ادراک می‌نمایند، کمترین میزان سرسختی را در مقایسه با سایر نوجوانان دارند.

روش

روش پژوهش حاضر توصیفی از نوع همبستگی است. جامعه آماری کلیه دانش‌آموزان مقطع دبیرستان شاغل به تحصیل در سال تحصیلی ۹۱-۹۲ می‌باشند. بدین منظور از میان ۱۵۰۰ دانش‌آموز متقاضی ثبت نام در ۶ دبیرستان غیرانتفاعی موجود در سه منطقه آموزش و پرورش سطح تهران که در دسترس پژوهش‌گران قرار داشتند، تعداد ۶۱۰ نفر آزمودنی ۱۳ تا ۱۵ ساله به صورت تصادفی انتخاب شدند. نخست، پرسشنامه ادراک از شیوه‌های فرزندپروری^۴ (PSQ) به آزمودنی‌ها داده شد و سپس آزمودنی‌ها پرسشنامه سرسختی کوباسا را تکمیل نمودند. آزمودنی‌ها بر اساس نمره‌ای که در دو بعد مهارت - آزادی و پذیرش - طرد مقیاس (PSQ) به دست آورده بودند به چهار گروه ادراک از شیوه‌های فرزندپروری تقسیم شدند و سپس در میزان سرسختی با یکدیگر مقایسه گردیدند. در این پژوهش، متغیرهای سطح اقتصادی، سن و جنس مورد کنترل قرار گرفتند و تأثیر متغیر ترتیب تولد به عنوان متغیر تعدیل‌کننده مورد بررسی قرار گرفت.

ابزار

- ۱- پرسشنامه ادراک از شیوه‌های فرزند پروری (PSQ)

این پرسشنامه توسط نقاشیان (۱۳۵۸ نقل از برجلی، ۱۳۷۸)، بر اساس کارهای شفر^۵، ۱۹۶۵، تهیه شده است. این پرسشنامه دارای ۷۷ ماده است و ابعاد مختلف مهارت - آزادی (سخت‌گیری، سهل‌گیری) و پذیرش - طرد در روابط خانوادگی والدین را از زاویه نگرش آزمودنی‌ها مورد سنجش قرار می‌دهد. برجلی (۱۳۷۸) پایایی و روایی این پرسشنامه را در حد مطلوبی گزارش نموده است. ضریب پایایی پرسشنامه توسط سازنده آن ۰/۷۸ گزارش شده است (صادقی، ۱۳۸۴) در پژوهشی که توسط آغاجری (۱۳۷۴) انجام گرفت ضریب اعتبار پرسشنامه از طریق ضریب آلفای کرونباخ و بازآزمایی با فاصله زمانی سه هفته محاسبه شد که به ترتیب برای بعد مهارت - آزادی ۰/۶۳ و ۰/۷۴ و برای بعد پذیرش - طرد ۰/۸۲ و ۰/۹۳ به دست آمد. در پژوهش حیدری و همکاران (۱۳۸۸) همسانی درونی پرسشنامه بر روی نمونه‌های دانشجویی ۰/۸۴ برای بعد مهارت - آزادی و ۰/۹۶ برای بعد پذیرش - طرد بدست آمده است. ماده‌های پرسشنامه بر اساس طیف پنج درجه‌ای لیکرت نمره‌گذاری می‌شود. در بعد پذیرش - طرد افرادی که نمره آن‌ها بالاتر از میانگین است، افرادی هستند که به نظر آنان والدینشان آزادی زیادی به آنها می‌داده‌اند. بنابراین برای تعیین چهار سبک فرزندپروری ابتدا میانگین هر یک از ابعاد پذیرش و مهارت به طور جداگانه محاسبه شده و با توجه به آن چهار سبک فرزندپروری با مشخصات مقتدرانه (مهارت زیاد - پذیرش زیاد)، سهل‌گیر (مهارت کم - پذیرش زیاد)، مستبد (مهارت زیاد - پذیرش کم) و سهل‌انگار (مهارت کم - پذیرش کم) بدست می‌آید.

۲- پرسشنامه سرسختی کوباسا

این پرسشنامه شامل ۵۰ سوال در مقیاس لیکرت است که آزمودنی باید میزان صحیح یا غلط بودن جملات را در یک مقیاس ۴ درجه‌ای از صفر تا سه مشخص نماید و همان طور که ذکر شد سه مؤلفه تعهد (۱۶ سؤال)، مهارت و چالش (هر یک ۱۷ سؤال) را شامل می‌شود. این سه مؤلفه مجموعاً نمره سرسختی را به دست می‌دهند. این پرسشنامه توسط دژکام و قربانی (۱۳۷۳) ترجمه و روایی صوری و محتوایی آن محاسبه شده است. در مطالعه‌ای که توسط مدی^۶ (۱۹۹۴) صورت گرفته، بر اساس آلفای کرونباخ ثبات درونی این آزمون برای هر یک از مقیاس‌ها عبارت است از چالش: $a = 0.71$ ، مهارت: $a = 0.84$ ، تعهد: $a = 0.75$ سرسختی به طور کامل: $a = 0.88$. مطالعه جمهوری (۱۳۸۰) نشان می‌دهد که مؤلفه‌های سرسختی یعنی

¹ Ellis, A & Harper, R

² Schultz, D P, & Schultz, S E

³ Adler, A

⁴ parenting Style Questionnaire

⁵ Schaefer

⁶ Maddi, S. R

تعهد، مهار و چالش هر یک به ترتیب از ضریب پایایی ۰/۷۰، سرسختی ۰/۷۵ محاسبه شده است. ۰/۵۲ و ۰/۵۲ برخوردارند و این ضرایب برای کل صفت یافته ها

جدول ۱ ویژگی‌های گروه نمونه را از لحاظ سن و رتبه تولد نشان می‌دهد.

جدول ۱. ویژگی‌های گروه نمونه از لحاظ سن و رتبه تولد

رتبه تولد	ترتیب تولد			سن (سال)			
	آخر	وسط	اول	۱۵	۱۴	۱۳	
تک فرزند	۴۱	۲۴۲	۵۲	۲۴۴	۱۴۷	۴۵۲	۹
درصد فراوانی	۶/۷	۳۹/۷	۸/۵	۴۰	۲۴/۱	۷۴/۱	۱/۵
فراوانی تراکمی	۱۰۰	۹۲/۹	۵۱/۱	۴۲/۱	۱۰۰	۷۵/۸	۱/۵

جدول‌های ۲ و ۳ فراوانی و ویژگی‌های توصیفی مربوط به گروه‌های مختلف ادراک از شیوه‌های فرزندپروری (در میزان سرسختی) را نشان می‌دهند.

جدول ۲. فراوانی گروه‌های مختلف ادراک از شیوه‌های فرزندپروری

PS*	فراوانی	درصد فراوانی	فراوانی تراکمی
مقتدر	۴۳۸	۷۱/۸	۷۱/۸
مستبد	۴۳	۷	۷۸/۹
سهل گیر	۱۱۰	۱۸	۹۶/۹
سهل انگار	۱۹	۳/۱	۱۰۰
کل گروه ها	۶۱۰	۱۰۰	

*ادراک از شیوه‌های فرزندپروری والدین

جدول ۳. ویژگی‌های توصیفی گروه نمونه در متغیر سرسختی و مؤلفه‌های آن

تعداد	میانگین	انحراف استاندارد	کمترین	بیشترین	
۴۳۸	۱۳۲/۵۲	۱۳/۸۵	۶۶/۶۷	۱۶۲/۵۰	مقتدر
۴۳	۱۲۰/۶۳	۱۲/۸۰	۷۲/۹۲	۱۴۳/۷۵	مستبد
۱۱۰	۱۳۰/۵۶	۱۳/۷۰	۸۹/۵۸	۱۵۸/۳۳	سهل گیر
۱۹	۱۱۷/۷۶	۱۶/۶۲	۷۵	۱۵۰	سهل انگار
۶۱۰	۱۳۰/۸۷	۱۴/۳۴	۶۶/۶۷	۱۶۲/۵۰	کل
۴۳۸	۹۵/۶۰	۱۳/۰۶	۴۹/۰۲	۱۴۹/۰۲	مقتدر
۴۳	۹۵/۷۱	۱۲/۹۵	۶۴/۷۱	۱۲۷/۴۵	مستبد
۱۱۰	۹۸/۵۷	۱۴/۶۴	۶۴/۷۱	۱۳۱/۳۷	سهل گیر
۱۹	۹۹/۳۸	۱۸/۸۸	۶۳/۶۸	۱۴۳/۱۴	سهل انگار
۶۱۰	۹۶/۲۶	۱۳/۵۸	۴۹/۰۲	۱۴۹/۰۲	کل
۴۳۸	۱۲۶/۴۸	۱۱/۸۳	۶۸/۶۳	۱۵۴/۹۰	مقتدر
۴۳	۱۱۶/۲۷	۱۴/۵۰	۷۶/۴۷	۱۴۱/۱۸	مستبد
۱۱۰	۱۲۳/۹۲	۱۲/۸۳	۹۰/۲۰	۱۵۰/۹۸	سهل گیر
۱۹	۱۱۲/۶۹	۱۳/۲۴	۸۲/۳۵	۱۳۵/۲۹	سهل انگار
۶۱۰	۱۲۴/۸۷	۱۲/۷۱	۶۸/۶۳	۱۵۴/۹۰	کل
۴۳۸	۳۵۴/۶۰	۲۸/۰۳	۱۸۴/۳۱	۴۴۰/۲۰	مقتدر
۴۳	۳۳۲/۶۳	۳۰/۳۶	۲۴۳/۵۰	۳۸۴/۹۳	مستبد
۱۱۰	۳۵۳/۰۶	۳۰/۰۸	۲۶۰/۱۷	۴۳۸/۷۳	سهل گیر
۱۹	۳۲۹/۸۳	۴۱/۳۱	۲۲۵/۹۸	۴۱۸/۶۳	سهل انگار
۶۱۰	۳۵۲	۲۹/۷۸	۱۸۴/۳۱	۴۴۰/۲۰	کل

جدول ۴.

تحلیل واریانس یک‌راهه (ANOVA) گروه‌های مختلف ادراک از شیوه‌های فرزندپروری در میزان سرسختی و مؤلفه‌های آن

معناداری	F	میانگین مجذورات	درجه آزادی	مجموع مجذورات	منبع تغییرات	
۰/۰۰۰	۱۵/۵۷	۲۹۸۸/۹۷	۳	۸۹۶۶/۹۲	بین گروهی	تعهد
		۱۹۱/۸۸	۶۰۶	۱۱۶۲۷۹	درون گروهی	
			۶۰۹	۱۲۵۲۴۶	کل	
۰/۱۵۲	۱/۷۶	۳۲۵/۱۳	۳	۹۷۵/۴۰	بین گروهی	مهیار
		۱۸۳/۹۶	۶۰۶	۱۱۱۴۸۳	درون گروهی	
			۶۰۹	۱۱۲۴۵۸	کل	
۰/۰۰۰	۱۶/۰۱	۲۴۱۰/۲۰	۳	۷۲۳۰/۶۰	بین گروهی	چالش
		۱۵۰/۴۹	۶۰۶	۹۱۱۹۹	درون گروهی	
			۶۰۹	۹۸۴۲۹	کل	
۰/۰۰۰	۱۱/۲۷	۹۵۲۱/۸۱	۳	۲۸۵۶۵	بین گروهی	سرسختی
		۸۴۴/۳۶	۶۰۶	۵۱۱۶۸۴	درون گروهی	
			۶۰۹	۵۴۰۲۵۰	کل	

۲- همین نتایج درباره تفاوت گروه سهل‌گیر با دو گروه مستبد و سهل‌انگار نیز به دست آمد.

در این پژوهش، با استفاده از تحلیل واریانس یک‌راهه، رتبه‌های مختلف تولد نیز با یکدیگر در میزان سرسختی مورد مقایسه قرار گرفتند که هیچ‌گونه تفاوت معناداری بین فرزندان اول، وسط، آخر و تک فرزندان در سرسختی مشاهده نشد. همچنین آزمون مجذور خی، تفاوت معناداری را بین گروه‌های مختلف ادراک از شیوه‌های فرزندپروری با متغیر رتبه تولد نشان نداد. بدین ترتیب متغیر رتبه تولد در نوع ادراک آزمودنی‌های این پژوهش از شیوه‌های فرزندپروری والدین آنها تأثیر چندانی نداشته است. یافته دیگر این پژوهش مربوط می‌شود به تفاوت بین گروه‌های مختلف ادراک از شیوه‌های فرزندپروری که پس از مقایسه فراوانی‌های مشاهده شده، توسط آزمون مجذور خی این تفاوت در سطح ۰/۰۱ معنادار شد. به عبارت دیگر، ادراک از شیوه فرزندپروری مقتدر به طور معناداری بیشتر از سایر گروه‌ها بود.

بحث

همان‌طور که در جدول ۴ نشان داده شد، فرضیه اول پژوهش مبنی بر تفاوت بین گروه‌های مختلف ادراک از شیوه‌های فرزندپروری از لحاظ میزان سرسختی، تأیید گردید. می‌توان این یافته را با یافته‌های خوشابا^۱ و مدی^۲ (۱۹۹۹)، مدی و همکاران (۲۰۰۹) و اسکلمن و همکاران (۲۰۱۰) مبنی بر تأثیر عملکرد خانواده در شکل‌گیری سرسختی همسو دانست.

با مقایسه گروه‌های مختلف ادراک از شیوه‌های فرزندپروری در میزان سرسختی با استفاده از تحلیل واریانس یک‌راهه، فرضیات پژوهش مورد آزمون قرار گرفت. همان‌گونه که در جدول ۴ نشان داده شده است، بین گروه‌های مختلف ادراک از شیوه‌های فرزندپروری در میزان سرسختی، تفاوت معناداری در سطح ۰/۰۱ مشاهده می‌شود ($P \leq 0.01$). بدین ترتیب، فرضیه اول پژوهش مورد تأیید قرار می‌گیرد. جهت بررسی فرضیه دوم پژوهش مبنی بر بیشتر بودن سرسختی نوجوانانی که والدین خود را مقتدر ادراک نموده‌اند در مقایسه با سایر گروه‌ها، آزمون تعقیبی توکی مورد استفاده قرار گرفت و مشخص شد که به جز با گروه سهل‌گیر، تفاوت میان سرسختی گروه مقتدر با دو گروه مستبد و سهل‌انگار در سطح ۰/۰۱ معنادار است. به این معنا که میزان سرسختی گروه مقتدر از هر یک از دو گروه مستبد و سهل‌انگار به طور معناداری بالاتر است. همچنین فرضیه سوم این پژوهش نیز مورد تأیید قرار می‌گیرد و نتایج آزمون توکی بیانگر آن است که نوجوانانی که والدین خود را سهل‌انگار ادراک می‌نمایند کمترین میزان سرسختی را گزارش نموده‌اند.

در این پژوهش، همچنین تفاوت گروه‌های مختلف ادراک از شیوه‌های فرزندپروری در مؤلفه‌های سرسختی، توسط تحلیل واریانس یک‌راهه مورد بررسی قرار گرفت و مشخص شد که در دو خرده‌مقیاس تعهد و چالش بین گروه‌ها تفاوت معناداری در سطح ۰/۰۱ دیده می‌شود. آزمون تعقیبی توکی، جهت این تفاوت‌ها را مطابق زیر نشان داد:

۱- تفاوت گروه مقتدر با دو گروه مستبد و سهل‌انگار در دو خرده‌مقیاس تعهد و چالش، در سطح ۰/۰۱ معنادار بود.

^۱. Khoshaba, D. M

^۲. Maddi, S.R

همان‌گونه که مدی و خوشابا (۱۹۹۴) و اسکلمن و همکاران (۲۰۱۰) نیز اذعان داشته‌اند، به طور نظری، سرسختی پدیده‌ای است که تحت تأثیر تجارب غنی، متنوع و پاداش دهنده دوران کودکی شکل می‌گیرد. پژوهش‌های متعددی نشان می‌دهند که برخی از ویژگی‌های خانوادگی در مقاوم ساختن افراد برای مقابله با فشارهای زندگی نقش اساسی ایفاء می‌کنند که این ویژگی‌ها عبارتند از روابط گرم و با محبت، همبستگی، حمایت عاطفی و با ساختار بودن خانواده (استوارت^۱ و همکاران، ۱۹۹۷؛ بالدوین^۲ و همکاران، ۱۹۹۳؛ بروکس^۳، ۱۹۹۴ و ورنر^۴، ۱۹۹۷). امریکنر^۵ و همکاران (۱۹۹۴) و مدی (۲۰۰۲ و ۲۰۱۲) نیز تأکید کرده‌اند که خانواده‌هایی که از انسجام یا همبستگی بیشتر، ارتباط بهتر بین اعضای خانواده با پدر و مادر و رضایت بیشتر از وضعیت خانواده برخوردارند و همچنین خانواده‌هایی که بر فعالیت مذهبی - اخلاقی، فعالیت‌های فکری - فرهنگی و نظم و سازماندهی تأکید بیشتری دارند، اعضای شان از میزان سرسختی بالاتری برخوردارند. همچنین، نتایج پژوهش امریکنر و همکاران (۱۹۹۴) نشان داد که در خانواده‌هایی که بین زیر منظومه‌های آن‌ها مرزهای مشخص و در عین حال انعطاف پذیر وجود دارد و اعضایش دارای حق تصمیم‌گیری و رأی و توانایی درک متقابل هستند و بر این اعتقادند که رویدادهای زندگی از کنترل آن‌ها خارج نیست، فرزندان از سرسختی بالاتری برخوردارند. این یافته‌ها هم راستا با یافته‌ی دوم پژوهش حاضر مبنی بر بیشتر بودن سرسختی نوجوانانی که خانواده خود را مقتدر ادراک می‌کنند نسبت به سایر نوجوانان است. البته عدم مشاهده تفاوت بین سرسختی دانش‌آموزانی که خانواده خود را مقتدر ادراک کرده بودند با آن‌هایی که خانواده خود را سهل‌گیر ادراک کرده بودند را شاید بتوان به سبب پذیرش بالا و حمایت عاطفی‌ای که فرزندان خانواده‌های سهل‌گیر در خانواده‌های خود ادراک می‌کنند دانست که نتایج پژوهش مدی و خوشابا (۱۹۹۴) مؤید این مسأله است.

یافته‌ی سوم این پژوهش، مبنی بر کمتر بودن میزان سرسختی دانش‌آموزانی که والدین خود را سهل‌انگار ادراک نموده بودند در مقایسه با سایر گروه‌ها، نیز همسو با

پژوهش‌های مورد اشاره در بالاست، به طوری که وقتی ویژگی‌های خانواده‌هایی که عملکرد آن‌ها منجر به افزایش سرسختی می‌شود، از قبیل برخورداری اعضا از آزادی معقول و حق تصمیم‌گیری، وجود مرزهای شفاف و منعطف در خانواده و پذیرش و درک متقابل میان اعضاء را با ویژگی‌های خانواده‌هایی که فرزندان آن‌ها سبک والدگری خود را سهل‌انگار ادراک کرده‌اند مطابقت می‌نماییم، انتظار می‌رود که گروه سهل‌انگار دارای کمترین میزان سرسختی باشد.

در پژوهش حاضر همچنین، بین گروه‌های مختلف ادراک از شیوه‌های فرزندپروری با متغیر رتبه تولد تفاوت معناداری مشاهده نشد که با یافته سومیا^۶ و همکاران (۲۰۰۰) در خصوص تعامل جنسیت و رتبه تولد در تأثیر بر ادراک از شیوه‌های فرزندپروری والدین مغایرت دارد. به نظر می‌رسد متغیر یا متغیرهای دیگری را نیز بتوان در دخالت یا عدم دخالت متغیر رتبه تولد در واریانس متغیر ادراک از شیوه‌های فرزندپروری مؤثر دانست، همچون متغیرهای فرهنگی و موقعیتی. همچنین، این پژوهش نشان داد که حدود ۷۲ درصد گروه نمونه والدین خود را مقتدر ادراک نموده‌اند (جدول ۲). این یافته با پژوهش دروگر (۱۳۸۴) همسو است. این مسأله ممکن است بدین خاطر باشد که جامعه مورد بررسی، دانش‌آموزان متقاضی ثبت نام در ۶ مدرسه غیر انتفاعی مناطق ۳، ۵ و ۶ شهر تهران بودند که از لحاظ سطح اقتصادی اکثریت آنها وضعیت نسبتاً خوبی داشتند. لازم به ذکر است که در پژوهش یاد شده، رابطه معناداری بین سطح اقتصادی خانواده و ادراک از سبک والدگری به دست آمد.

این پژوهش نشان داد که سبک والدگری و یا ادراک نوجوان از آن تأثیر بسزایی در شکل‌گیری خصیصه سرسختی و زیر مجموعه‌های آن در نوجوان دارد. همان طور که یافته‌ها نشان می‌دهند بالا بودن بعد پذیرش - طرد در مقایسه با پایین بودن بعد مهار - آزادی تأثیر بیشتری در سرسختی نوجوانان دارد که این مسأله در عدم تفاوت معنادار بین گروه‌های مقتدر و سهل‌گیر در میزان سرسختی به وضوح مشاهده می‌شود و این فرض را مطرح می‌سازد که شاید پذیرش ادراک شده از سوی نوجوان - و نه مهار - به عنوان مهمترین عامل در شکل‌گیری سرسختی عمل نماید که این مسأله، پژوهش‌های بیشتری را در این زمینه می‌طلبد. همان‌گونه که شریفی و همکاران (۱۳۸۴) نیز بیان نموده‌اند، یکی از

1. Stewart, M

2. Baldwin, A.L

3. Brooks, R.B

4. Werner, E. E

5. Amerikaner, M

6. Someya, T

دانش آموزان. مجله دانشور رفتار (دانشگاه شاهد). سال ۱۲. ش ۸۰-۹۴. صص.

- شولتز، دوان پی، شولتز، سیدنی ال. (۱۳۷۸). روان‌شناسی شخصیت، ترجمه یحیی سید محمدی، نشر ویرایش، تهران.
- صادقی، م و همکاران (۱۳۸۴). تصور از خدا در روش‌های تربیت دینی متفاوت. مجله روانشناسی ۱۱ (۴)، ۳۶۲-۳۸۰.
- عظیمی، سیروس. (۱۳۷۸). روان‌شناسی کودک. تهران، انتشارات صفار.
- ماسن، پاول هنری، کیگان، جروم، هوستون آلتا، کانجر، جان جین وی. (۱۳۷۷). رشد و شخصیت کودک، ترجمه: مهشید یاسایی، انتشارات کتاب ماد. تهران.
- مهرابی زاده هنرمند، مهرناز. وردی، مینا (۱۳۸۲). کمال‌گرایی مثبت، کمال‌گرایی منفی. اهواز. نشر ریش.
- هترینگتون، ای میوس. پارک، راس دی. (۱۳۷۳). روان‌شناسی کودک از دیدگاه معاصر (ج ۱). ترجمه: جواد طهوریان، محمد حسین نظری نژاد، احمد رضوانی، علی آخشینی، خوشه کسرای، انتشارات آستان قدس رضوی. مشهد.
- یوسفی، آیت الله. (۱۳۸۲). رابطه شیوه‌های فرزند پروری با مهارت‌های اجتماعی در دانش‌آموزان ابتدایی شهر اسفراین. تهران. دانشگاه علامه طباطبایی (ره).

منابع انگلیسی

- ABESHA, Ayele Gota. (2012). Effects of Parenting Styles, Academic Self-Efficacy, and Achievement Motivation on the Academic Achievement of University Students in Ethiopia. A Dissertation of Doctor of Philosophy (Psychology), School of Psychology and Social Science, Faculty of Computing, Health, and Science, Edith Cowan University. Perth, Western Australia.
- Amerikaner, M; Monks, G; Wolfe, P. & Thomas, S. (1994). Family interaction and individual Psychological health. *Journal of Counseling and development*. 72 (6), 614-23.
- Aunola, K. , Stattin, H. , & Nurmi, J. (2000). Parenting styles and adolescents' achievement strategies. *Journal of Adolescence*, 23, 205-222.
- Baldwin, A.L., Baldwin, C.P., Kasser, T., Zax, M., Sameroff, A., & Seifer, R. (1993). Contextual risk and resiliency during late adolescence. *Development and psychopathology*, 5, 741-61.
- Baumrind, D. (1971). Current pattern of parental authority, *Developmental Psychology*, 49. 1-103.
- Baumrind, D. (1991). The influence of parenting style on adolescents competence and substance use. *Journal of Early Adolescence*, 11, 56-95.
- Blaske, D. M. , Borduin, C. M. , Henggeler, S. W. , & Mann, B. J. (1989). Individual, family, and peer characteristics of adolescent sex

محدودیت‌های چنین پژوهش‌هایی آن است که رفتار (عملکرد) سنجیده شده از خانواده - و در این پژوهش والدین - را پایا فرض نموده و به سنجش مجدد و ارزیابی میزان پایایی یافته‌ها در گستره زمان نمی‌پردازند. محدودیت دیگر این پژوهش، استفاده از نمونه در دسترس بود که تعمیم‌پذیری نتایج را تا حد زیاد پایین می‌آورد و آن را محدود به دانش‌آموزان خانواده‌هایی می‌نماید که از لحاظ اقتصادی، در حد متوسط بالا یا بالای جامعه شهر تهران قرار دارند. پیشنهاد می‌شود در پژوهش‌های بعدی از نمونه‌های تعمیم‌پذیرتر استفاده شود.

منابع فارسی

- ایس، آلبرت و هارپر، رابرت. (۱۳۸۱). چگونه منطقی زندگی کنیم. ترجمه: ری شهری، نوشین. تهران. انتشارات نسل نو اندیش.
- آدلر، آلفرد. (۱۳۷۰). روان‌شناسی فردی، ترجمه حسن زمانی شرفشاهی، انتشارات تصویر. تهران.
- برجلی، احمد. (۱۳۷۸). تأثیر سازگاری و الگوهای فرزندپروری والدین بر تحول روانی - اجتماعی دانش‌آموزان دبیرستانی شهر تهران. پایان‌نامه دکتری روانشناسی، دانشگاه علامه طباطبایی، تهران.
- برومند نسب، مسعود. شکر کن، حسین. نجاریان، بهمن (۱۳۷۶). بررسی رابطه نگرش‌های فرزندپروری والدین و جایگاه مهار در دانش‌آموزان مقطع راهنمایی شهرستان دزفول. *مجله علوم تربیتی و روان‌شناسی دانشگاه شهید چمران اهواز*. دوره سوم، سال چهارم، ش ۱ و ۲ صص. ۱۲۶-۱۰۵.
- به ی، چری و استافورد، لورا. (۱۳۷۷). تعامل والدین و کودکان، ترجمه محمد دهگانپور و مهرداد خرازچی، تهران، انتشارات رشد.
- جمهوری، ف. (۱۳۸۰). بررسی رابطه بین سخت‌رویی و گرایش به افسردگی و اضطراب در بین زنان و مردان دانشجوی دانشگاه‌های شهر تهران. پایان‌نامه کارشناسی ارشد روانشناسی، دانشگاه علامه طباطبایی، تهران.
- حقیقی، جمال. شکر کن، حسین و موسوی شوشتری، مژگان. (۱۳۸۱). فرزندپروری. *مجله علوم تربیتی و روان‌شناسی دانشگاه شهید چمران اهواز*. دوره سوم، سال نهم. ش ۱ و ۲. صص. ۱۰۸-۷۹.
- حیدری، م. (1388). بررسی تأثیر شیوه فرزندپروری ادراک شده و جنس بر خود ناتوان‌سازی. *مجله خانواده پژوهی*، ۵ (۲)، ۱۲۵-۱۳۷.
- دروگر، خدیجه (۱۳۸۴). بررسی رابطه ادراک از شیوه‌های فرزند پروری والدین با میزان تفکرات غیر منطقی نوجوانان. پایان‌نامه کارشناسی ارشد روان‌شناسی عمومی. تهران. دانشگاه شهید بهشتی.
- شریفی، خلیل. عریضی، حمید رضا و نامداری، کوروش (۱۳۸۴). بررسی رابطه بین عملکرد خانواده و سرسختی روان‌شناختی در

- Resurreccion, Nephthys. (2012). The Relationship of Hardiness and Some Other Relevant Variables to College Performance. *Journal of Humanistic Psychology*. vol. 52 no. 2, 190-205
- Maddi, Salvatore R. (2012). Resilience and consumer behavior for higher quality of life, In D. G. Mike, S. Pettigrew, C. Pechman, & J. L. Ozanne (Eds), *Transformative consumer research for personal and collective well-being: Reviews and frontiers*, New York, NY: Routledge.
 - Someya, T; Uehara, T; Kadowaki, M; Wong Tang, S & Takahashi, S. (2000). Effects of gender difference and birth order on perceived parenting styles, measured by the EMBU scale, in Japanese two-sibling subjects, *Psychiatry and Clinical Neurosciences*, 54, P. 77
 - Stewart, M., Reid, G., & Mangham C. (1997). Fostering children's resilience. *Journal of Pediatric Nursing*, 12, 21-31.
 - Werner, E. E. (1997). Vulnerable but invincible : hirisk children from adulthood. *Acta Paediatrica Supplement*. 422, 103-5
 - offenders and assaultive offenders. *Developmental Psychology*, 25, 846-855.
 - Bowlby, J. (1969). *Attachment and loss*. New York: Basis Books.
 - Brooks, R.B. (1994). Children at risk: Fostering resilience and hope. *American Journal of Orthopsychiatry*, 64, 545-53.
 - Cernkovich, S. A. , & Giordano, P. C. (1987). Family relationships and delinquency. *Criminology*, 25, 295-319.
 - Cloninger, S. (1996). *Personality description dynamics and development*. h. Freeman and company. New York.
 - Darling, N. , Steinberg, L. (1993). Parenting style as context: An integrative model. *Psychological Bulletin*, 113 (3): 487-496.
 - Eschleman, Kevin J.; Bowling, Nathan A.; Alarcon, Gene M (2010) A meta-analytic examination of hardiness. *International Journal of Stress Management*, Vol 17(4), 277-307.
 - Funk, S. C., & Houston, B. K. (1987). A critique analysis of the hardiness scale's validity and utility. *Journal of Personality and Social Psychology*, 53, 572-578.
 - Kagan, J. B. Mas, H. A. (1992). *Birth to maturity*. New York: Wiley press.
 - Keenan, K. , Loeber, R. , Zhang, Q. , Stouthamer-Loeber, M. , & Van Kammen, W. B. (1995). The influence of deviant peers on the development of boys' disruptive and delinquency behavior: A temporal analysis. *Development and Psychopathology*, 7, 715-726.
 - Khoshaba, D. M & Maddi, S.R. (1999). Early Experiences in hardiness development. *Consulting Psychology Journal: Practice and Research*. 51 (2), 106-16.
 - Kobasa, S. C. (1979). Personality and resistance to illness. *American Journal of Community Psychology*, 7, 413-423.
 - Kobasa, S. C. (1985). *Personal views survey*. Chicago: Hardiness Institute
 - Maddi, S.R. & Khoshaba, D. M. (1994). Hardiness and Mental Health. *Journal of Personality Assessment*. 63, (2), 265-74.
 - Maddi, Salvatore R. (2002). The story of hardiness: Twenty years of theorizing, research, and practice. *Consulting Psychology Journal*, 54 (3), 173-185.
 - Maddi, Salvatore R., Harvey, Richard H., Khoshaba, Deborah M., Fazel, Mostafa and Resurreccion, Nephthys. (2009). The Personality Construct of Hardiness, IV Expressed in Positive Cognitions and Emotions Concerning Oneself and Developmentally Relevant Activities. *Journal of Humanistic Psychology*. vol. 49 no. 3 292-305
 - Maddi, Salvatore R., Harvey, Richard H., Khoshaba, Deborah M., Fazel, Mostafa and